



A Critical Analysis of Dr. Soha's Doubts Regarding Knowledge from the Quranic Perspective *

Zaynab Jafari Marandi^۱ and Samad Esmi Qiyabashi^۲

Abstract



A person using the pseudonym 'Soha' has argued, based on certain verses and narrations, that valuable knowledge from the Quranic perspective is limited to religious knowledge. They equate the references to contemplation and reasoning in the Quran with faith and regard the absence of engagement with empirical sciences as evidence of the Quran's lack of spirituality. This research aims to address these doubts using an analytical-descriptive approach and drawing upon interpretive foundations. Soha's viewpoint is examinable from two aspects: foundational issues, including disregard for other verses and narrations, neglect of verse contexts, incomplete understanding of religious sciences, and content-related issues. Most of the verses they rely on can be categorized as follows: Firstly, their meanings encompass more than just religious sciences, they refer to absolute knowledge and wisdom. Secondly, in context, verses that simultaneously mention knowledge, faith, and obedience to God do not exclusively signify knowledge within religion, rather, they emphasize knowledge alongside spirituality, faith, and ethics. Because knowledge, akin to reason, is a tool that, when coupled with faith and spirituality, serves values. Otherwise, knowledge can lead to dominance, power, aggression, and the destruction of heritage and generations. The Quran has touched upon empirical sciences in numerous verses, and in some cases, the scientific miracles of the Quran can be demonstrated, which serves as evidence of its divine and authentic nature.

Keywords: Valuable Knowledge, Religious Knowledge, Natural and Empirical Sciences, Critique of Quran, Soha.

*. **Date of Receiving:** ۱ May ۲۰۲۲, **Date of Approving:** ۲۹ October ۲۰۲۲.

۱. MS Graduate from the University of Quranic Sciences and Teachings, Qom, Iran [Corresponding Author]:

(zjm.ezmmm@gmail.com).

۲. Assistant Professor and Faculty Member at the University of Quranic Sciences and Teachings, Head of the General Education and Postgraduate Studies Department at the University of Quranic Sciences and Teachings, Qom: (esmi@quran.ac.ir).



نقد شبهه سها درباره جدایی قرآن از علوم تجربی*

زینب جعفری مرنندی^۱ و صمد اسمی قیه‌باشی^۲



چکیده

شخصی با نام مستعار «سها» با استناد به برخی آیات و روایات، علم ارزشمند از دیدگاه قرآن را منحصر در علم دینی دانسته است و آیه‌ای که درباره تفکر و تعقل صحبت شده است، مراد از آن را مساوی با ایمان و عدم تفکر و تعقل را نیز برابر با کفر دانسته است و عدم پرداختن به علوم تجربی را دلیل بر غیروحیانی بودن قرآن نتیجه گرفته است. این پژوهش درصدد است با روش تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از مبانی تفسیری به شبهات مطرح شده پاسخ دهد. دیدگاه ایشان از دو جهت قابل بررسی است: اشکالات مبنایی: مثل بی‌توجهی به آیات و روایات دیگر، بی‌توجهی به سیاق آیات و برداشت ناقص از علوم دینی و اشکالات محتوایی. بیشتر آیه‌ای که مورد استناد قرار می‌دهد: اولاً مراد از آن‌ها صرفاً علوم دینی نیست؛ بلکه علم و دانایی مطلق مراد است و ثانیاً با توجه به سیاق، آیه‌ای که به علم و ایمان و یا اطاعت از خداوند توأمان اشاره دارد، مراد از آن‌ها معنای انحصاری علم در دین نیست؛ بلکه علم به همراه معنویت و ایمان و اخلاق مورد تأکید قرآن است. چون علم همانند عقل ابزار است اگر با ایمان و معنویت همراه شود، در خدمت ارزش‌ها قرار خواهد گرفت. در غیر این صورت علم، موجب سلطه و قدرت، زورگویی و نابودی حرث و نسل خواهد بود. قرآن کریم در آیات فراوانی به علوم تجربی پرداخته است که می‌توان در برخی موارد اعجاز علمی قرآن کریم را اثبات کرد که دلیل بر وحیانی و حقانیت این کتاب آسمانی است.

واژگان کلیدی: علم ارزشمند، علم دینی، علوم طبیعی و تجربی، نقد قرآن، سها.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷.

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران، «نویسنده مسئول»؛ (zjm.ezmmm@gmail.com).

۲. استادیار و هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم مدیر کل آموزش و تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ (esmi@quran.ac.ir).



مقدمه

خداوند متعال اساس خلقت بشر را بر پایه آموزش و یادگیری بنا نهاده است و رشد و تعالی انسان در گرو کسب علم، معرفت و شناخت حقایق عالم هستی است. جهان‌بینی و سبک‌زندگی بشر بسته به میزان علم، قدرت تفکر و تعقلش دارد که می‌تواند بسیار متفاوت و متمایز از دیگران باشد. شخص یا اشخاصی با نام مستعار «سها» شبهاتی در زمینه علم و دانش نسبت به قرآن کریم مطرح ساخته‌اند. این افراد مدعی شده‌اند که منظور خدا در قرآن از علم، منحصر به علوم دینی می‌شود و هر جا که از علم، تعقل و تفکر سخن گفته است، منظور قرآن همان علوم دینی و تفکر و تعقل درباره خدا و دین بوده و تنها این علم را با ارزش تلقی کرده است و سایر علوم از جمله علوم تجربی هیچ جایگاهی در قرآن ندارند و حتی در برابر علوم دینی، بیهوده و بی‌ارزش هستند و روایات و آثار علما و صاحب‌نظران اسلامی را نیز مؤید چنین دیدگاهی در قرآن می‌داند. این پژوهش درصدد است بر اساس مبانی تفسیر قرآن کریم و با مراجعه به منابع معتبر و با روش تحلیلی - توصیفی به شبهات مطرح‌شده بپردازد تا حقیقت بر مخاطبان روشن گردد.

پیشینه پژوهش

شبهات درباره قرآن کریم هم‌زمان با نزول قرآن کریم از جانب معاندان و منکران مطرح بوده است و مسلمانان متعهد و مؤمن به قرآن نیز در طول تاریخ درصدد پاسخ به آنان برآمده‌اند. برخی هم‌زمان با پیشرفت علم در قرن معاصر، شبهاتی درباره قرآن کریم، به‌ویژه درباره آیات علمی قرآن مطرح کرده‌اند. اندیشمندان مسلمان نیز در کتاب‌ها و مقالات متعددی به شبهات آنان پاسخ داده‌اند، با توجه به گستردگی آثار اندیشمندان و مفسران درباره آیات علمی قرآن، در اینجا به‌طور مختصر کتب و مقالاتی که به شبهات مطرح‌شده درباره کتاب نقد قرآن پرداخته‌اند؛ معرفی می‌گردد.

پژوهش‌ها و تحقیقاتی که درباره کتاب نقد قرآن نوشته شده است را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: برخی از این پژوهش‌ها عام و کلی بوده است و به نقد روش و مبانی و منابع مورد استفاده مولف پرداخته‌اند. پژوهش‌های دیگر نیز به‌صورت موردی و یا موضوعی به شبهات مطرح‌شده پاسخ داده‌اند.

۱ - کتاب «بررسی مبانی نقد قرآن» نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی. نویسنده در این کتاب به بررسی روش و مبانی سها پرداخته و آیات مورد استناد ایشان را در برخی موارد به روش صحیح تفسیری پاسخ داده است.

۲ - کتاب «دفاع از قرآن در رد کتاب نقد قرآن»، نوشته محمدباقر حیدری نسب. نویسنده به آیات علمی که مورد استناد سها بوده به اجمال بررسی کرده و برخی موارد را نیز پاسخ داده است.

- ۳- رساله «نقد و بررسی شبهات مربوط به آیات جنین در قرآن کریم»، نوشته صمد اسمی قیه‌باشی. نویسنده در این رساله، شبهات مربوط به آیات جنین را بررسی کرده که برخی از این شبهات نیز مربوط به کتاب نقد قرآن است و آنان را نقد و بررسی کرده است.
- ۴- «بررسی شبهات دکتر سها در مورد هفت آسمان در قرآن کریم»، نوشته حسین رضایی و فرج‌الله میرعرب، که به‌طور اختصاصی به شبهه علمی درباره هفت آسمان جواب داده است.
- ۵- «سازگاری یا ناسازگاری قرآن و علم جدید» نوشته سیدرضا مؤدب و همکاران، در این پژوهش محققان با ارائه روش صحیح در بررسی آیات علمی، بر سازگاری برخی مباحث جدید علمی از جمله؛ خلقت آسمان و زمین و علم نجوم، علم زیست با آیات قرآن کریم تأکید دارند.
- ۶- «سازگاری قرآن و علوم طبیعی از منظر مستشرقان»، نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی و علی‌اکبر فراهی‌بخشایش. در این مقاله نظرات مستشرقان موافق سازگاری قرآن و علوم طبیعی بیان و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.
- ۷- «بررسی شبهات قرآن و علم و شیوه برخورد با آنها با تأکید بر نظریات معرفت و دکتر سها»، نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی و علی‌محمد راهی. در قسمت‌هایی از مقاله به‌طورکلی شیوه بیان شبهات مربوط به قرآن و علم از طرف سها مطرح و همچنین نحوه و چگونگی برخورد با شبهات از جانب آیت‌الله معرفت نیز بیان شده است.
- ۸- «حرکت خورشید در قرآن و پاسخ به شبهات نوپدید آن»، نوشته سیدعیسی مسترحمی و جواد گودرزی. نویسندگان به شبهات علمی مربوط به حرکت خورشید در قرآن که در کتاب نقد قرآن مطرح شده، پاسخ داده‌اند.
- ۹- «بررسی شبکه معنایی نطفه در قرآن کریم با پاسخ به شبهات»، نوشته عبدالرضا زاهدی، صمد اسمی قیه‌باشی، غلامرضا خوش‌نیت. در این پژوهش نویسندگان به بررسی آیات مربوط به مرحله آغازین شکل‌گیری جنین در آیات قرآن پرداخته‌اند و به شبهات سها نیز پاسخ داده‌اند. باتوجه به گستردگی مباحث و پژوهش‌های متفاوتی که در بررسی آیات علمی قرآن کریم در پاسخ به شبهات صورت گرفته است و در کتابها و مقالات نوشته شده از جنبه‌ها و رویکردهای متفاوت اقدام به پاسخگویی کرده‌اند؛ اما این پژوهش درصدد است شبهه سها درباره علم از دیدگاه قرآن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.



طرح شبهه

شخصی با نام مستعار «دکتر سها» در بخشی از کتاب «نقد قرآن» تحت عنوان «علم از دیدگاه قرآن» با استناد به چند آیه و روایت به بررسی علم از دیدگاه قرآن کریم پرداخته، سپس ادعا کرده است منظور از این همه تأکید به علم، علم دین است و تعقل و تفکر موردنظر اسلام تعقل و تفکر در دین است و آیه ۹ سوره زمر را به عنوان یکی از دلایل می آورد. «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيُرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر/۹)؛ «آیا چنین کسی (کافر) بهتر است یا آن کسی که در طول شب در سجده و قیام اطاعت (خدا) می کند (و) از آخرت می ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد، بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؛ تنها خردمندانند که متذکر (متوجه) می شوند.» (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۴۹).

او در تحلیل آیه گفته است: «منظور آیه کاملاً واضح است؛ یعنی کسانی که در طول شب به اطاعت خدا مشغولند، علم دارند (یعلمون) و در مقابل کسانی که عبادت نمی کنند، علم ندارند (لا يعلمون)؛ بنابراین منظور از علم، علم به خدا و دین است.»

مؤلف نقد قرآن با استناد به آیات زیر، تفکر موردنظر قرآن را تفکری می داند که منجر به ایمان شود: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران/۱۹۰-۱۹۱)؛ «مسلماناً در آفرینش آسمان ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه هایی است * همانان که خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین فکر می کنند. پروردگارا این ها را بیهوده نیافریده ای، منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.» (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۴۹).

سپس مؤلف با در کنار هم گذاشتن دو آیه سوره انفال: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال/۲۲)؛ «قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا کران و لالانی اند که تعقل نمی کنند.» و همچنین آیه «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (انفال/۵۵)؛ «قطعاً بدترین جنبندگان پیش خدا کسانی اند که کفر ورزیدند و ایمان نمی آورند.» نتیجه گیری کرده است: «کفر و بی ایمانی = تعقل نکردن، به عبارت دیگر: ایمان = عقل» (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۵۰).

مؤلف کتاب نقد قرآن نوشته است: باتوجه به کلیه آیات مربوط به علم و تعقل در قرآن، کسی که ایمان ندارد فاقد تعقل، تفکر و علم به حساب می آید، هرچند استاد ریاضی یا نجوم و یا فیزیک باشد. به بیان دیگر، علمی که یادگیری و آموزشش صواب دارد و معلم و متعلمش محترم است، دانش دین است.» (همان: ۵۰).

سپس علاوه بر آیات قرآن، روایاتی را به عنوان دلیل بر ادعای خود ذکر می کند. «قال النبی: مَنِ ابْتَغَى الْعِلْمَ فِي غَيْرِهِ أَضَلَّهُ اللَّهُ (عیاشی، تفسیر العیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۱/ ۶)؛ کسی که برای علم به غیر از قرآن رجوع کند، خدا او را گمراه می کند.» و مدعی می شود که: «این حدیث به روشنی بیان می کند که علم همان است که در قرآن است و هر که دنبال علم در جائی غیر از قرآن به گردد، گمراه می شود؛ یعنی در جای دیگری به علم دست نخواهد یافت.» (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۵۰).

حدیث دیگری از حضرت محمد ﷺ نقل می کند: «الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ فَهُوَ فَضْلٌ: آيَةُ مُحْكَمَةٌ، أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ، أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ (ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ۱۴۱۸ ق: ۱/ ۸۰-۸۱؛ ابوداود، سنن ابی داود، ۱۴۲۰ ق: ۳/ ۱۲۶۱)؛ علم سه گونه است: آیه محکم، یا واجب الهی عادل و یا سنت استوار که هر سه علم دین اند و غیر از آن فضل است.» ایشان برداشت خود از روایت را این گونه بیان می کند: «یعنی پیامبر غیر از علم دین را علم نمی داند، و بقیه علوم را فضل می داند. فضل به معنای زیادی است یا زیادی نیکو (فضیلت) و یا زیادی بیهوده. باتوجه به فحوای سخن پیامبر به نظر می رسد که منظور وی زیادی بیهوده باشد.» وی در ادامه این گونه نتیجه گیری کرده است: دانش های غیردینی در اسلام ارزشی ندارند، از جمله علوم تجربی. بنابراین در قرآن و سنت هیچ آیه و حدیثی یافت نمی شود که با اطمینان بتوان گفت درباره علوم تجربی است. دانش علوم تجربی از نظر اسلام ناشناخته است، اگر هم شناخته شده بود، علم بی ارزش است (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۵۴).

نقد دیدگاه سها درباره علم از نظر قرآن کریم

تحلیل و بررسی دیدگاه دکتر سها درباره علم ارزشمند از نظر قرآن در دو بخش قابل بررسی است: اشکالات مبنایی و اشکالات محتوایی.

الف. اشکالات مبنایی

هرچند که مبنای اصلی نویسنده غیروحیانی دانستن قرآن است (همان: ۵۴) اما یکی از اشکالات شبهه مطرح شده درباره دین و علم دینی اشکالات مبنایی و روشی است. با وجود اینکه نویسنده برخی از مبناها را پذیرفته است؛ اما در ارائه شبهات بدان پایبند نیست. اگر به این مبناها توجه می کرد، شبهه مطرح شده قابل حل بود که به مهمترین آن ها پرداخته می شود.

یک. برداشت ناقص از علم دینی

نویسنده هیچ تعریفی از علم و دین ارائه نمی دهد و تأکید قرآن بر علم، تعقل و تفکر را منحصر در ایمان و عمل به اسلام معرفی می کند و نتیجه می گیرد علم مورد نظر قرآن، علم به خدا و دین است



(همان: ۵۰). آنچه از نوشته‌های او استفاده می‌شود تنها علم مفید و ارزشمند را علوم تجربی دانسته و معیار صحت علوم دیگر را نیز علوم تجربی می‌داند: «علوم تجربی گوهر تفاوت انسان پیشرفته و عقب‌افتاده است، علوم تجربی بهترین دانش‌های بشری است و صحت علوم دیگر بستگی به هماهنگی، آنان با دانش تجربی است.» (همان: ۵۵).

نقد و بررسی

از دین تعاریف متعددی ارائه شده است؛ اما در تعریف دین، باید از خلط میان «دین و تدین» و «دین و ایمان» اجتناب کرد. برخی دین را به باور و اعتقاد تعریف کرده و گفته‌اند: «دین، اعتقاد به هستی‌های روحانی است.» برخی نیز گفته‌اند: «دین، اعتقاد به خدای سرمدی است.»؛ بعضی دیگر می‌گویند: «جوهر دین، عبارت است از احساس وابستگی مطلق.» (جوادی‌آملی، دین‌شناسی، ۱۳۸۷: ۲۶)؛ اما می‌توان گفت: «دین مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که خدای سبحان برای اداره و پرورش انسان‌ها در اختیار آنان قرار داده است تا جامعه بشری از راه عقل و نقل به آن راه یابد.» (جوادی‌آملی، ادب فنای مقربان، ۱۳۹۶: ۱۸۵/۱۰)؛ بنابراین دین، روش ویژه‌ای در زندگی است که قوانین آن صلاح دنیایی و کمال آخرتی انسان را تأمین کرده و به نیازهای زندگی او پاسخ می‌دهد. (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱۳۰/۲).

روشن شد که دین یک برنامه مدونی است که هم صلاح دنیا و هم کمال آخرتی انسان را تأمین می‌کند. شهید مطهری فرموداند: این همه تأکید دین مبین اسلام به علم را مراد علم دینی و صرفاً توصیه به خود دین باشد، خطا دانسته و گفته است: «اگر کسی درست با اسلام و منطق اسلام آشنا باشد، هیچ احتمال نمی‌دهد که نظر اسلام درباره علم منحصرأ علوم دینی است. آن‌جا که می‌فرماید حکمت گمشده مؤمن است پس آن را به چنگ آورید ولو اینکه بخواهید از دست مشرکان بگیرید، معنا ندارد که خصوص علوم دینی باشد. مشرک را با علوم دین چکار؟ در حدیث «اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ق: ۱۸۰/۱)، چین به‌عنوان دورترین نقطه و یا به اعتبار اینکه در آن ایام یکی از مراکز علم و صنعت جهان بوده، یاد شده است. قدر مسلم این است که چین نه در آن زمان و نه در زمان‌های دیگر مرکز علوم دینی نبوده است.» (ر.ک. مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۷۲: ۱۰۶/۳۰).

آیت‌الله جوادی‌آملی قلمرو علم دینی را گسترده دانسته و هر علمی که مفید یقین باشد را علم دینی معرفی کرده است: «علم اگر علم باشد؛ نه وهم و خیال و فرضیه محض، هرگز غیراسلامی نمی‌شود. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد، به‌ناچار اسلامی و دینی است و معنا ندارد که آن را به دینی و غیردینی و اسلامی و غیراسلامی تقسیم کنیم. بر این اساس علم فیزیک در شرایطی که مفید یقین یا طمأنینه عقلانی است و در مرز فرضیه و وهم و گمان به سر نمی‌برد، یقیناً اسلامی است.» (جوادی‌آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

یک. علوم تجربی تنها علم ارزشمند و معیار صحت علوم دیگر

نویسنده نقد قرآن، علم نافع و ارزشمند را منحصر در علوم تجربی می‌داند، در حالی که علم همانند عقل ابزار و وسیله است. در روایتی، امیرالمومنین (علیه السلام) آن را سلطان و وسیله غلبه و قدرت معرفی کرده است: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۴۰۴ ق: ۲۰/۳۱۹)؛ علم سلطه و قدرت می‌آورد و هرکس آن را بیابد، غلبه و پیروزی یابد و هرکس آن را نیابد مغلوب و مقهور می‌گردد.

بنابراین ارزش علم نسبی است. حقیقت مطلب هم این است که علم و عقل ابزار دو جنبه‌ای است: «می‌تواند در خدمت ارزش‌ها قرار بگیرد، می‌تواند در خدمت حیوانیت و سُبُعیت قرار بگیرد. بستگی به این دارد که مدیریت علم با چه کسی است. اگر مدیریت علم به دست انسان‌های دنیا طلب و قدرت طلب و زراندوز و سلطه طلب بود، همین می‌شود که امروز شما در دنیا مشاهده می‌کنید؛ یعنی علم ابزاری برای استعمار، استثمار، تحقیر ملت‌ها، اشغالگری و ... خواهد شد.» (مقام معظم رهبری، دیدار اعضا جهاد دانشگاهی، تیرماه ۱۳۸۳). در نتیجه «علم نافع همان علم صائب و جهان‌بینی الهی است که همه علوم را جهت‌دار می‌کند و کسی که از آن برخوردار است عالم حقیقی است و کسی که از آن محروم است، در قبال عالم قرار دارد و جاهل محسوب می‌شود؛ هرچند از قدرت‌های علمی دیگر بهره‌مند باشد.» (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۹، ۲۰۲/۶)؛ بنابراین علوم تجربی به طور مطلق نافع و ارزشمند نخواهد بود.

اما اینکه علوم تجربی معیار صحت علوم دیگر باشد، خطای دیگری است که نویسنده مدعی آن است. چون اولاً: همه مقدماتی که برای به دست آوردن نتیجه در علوم تجربی استفاده می‌شود از مقدمات علوم عقلی است. دوم اینکه: غلط و خطایی که در علوم حسی و تجربی وجود دارد کمتر از خطا در عقلیات نیست. سوم اینکه: در علوم حسی و تجربی تشخیص میان خطا و صواب مطالب نیز با عقل و قواعد عقلی است. مسئله حس و تجربه تنها یکی از مقدمات برهان است. چهارم اینکه: تمام علوم تجربی در باب عمل با تجربه تأیید می‌شود؛ اما خود تجربه اثباتش با علوم عقلی خواهد بود (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰، ۴۸/۱)؛ بنابراین چطور می‌توان ادعا کرد که علوم تجربی معیار سنجش علوم دیگر است؟

دو. انتخاب گزینشی از آیات در ارائه شبهات

یکی از مبانی سها در کتاب نقد قرآن، توجه به آیات متحدالموضوع است. وی در این باره چنین نوشته است: «پاره پاره بودن مطالب و پراکنده بودن هر مطلب در بیش از ۶۶۰۰ آیه، کار فهم نظر قرآن



در مورد یک موضوع خاص را بسیار مشکل می‌کند؛ اما راه‌حل اساسی برای مقابله با این مشکل این است که باید تمام آیات مربوط به یک موضوع را یافت و در کنار هم نهاد. «(سها، نقد قرآن، ۴۲: ۱۳۹۳)؛ اما او در طرح شبهات به این مبنا پایبند نیست. وی برای اینکه بتواند نظر خود را بر آیات قرآن تحمیل کند، به آیاتی استناد کرده است که به ایمان و علم توأمان اشاره دارد یا بی‌خردی و عدم تعقل و کفر را توییح کرده؛ اما به آیاتی که به صراحت به علوم تجربی پرداخته اشاره نمی‌کند. در قرآن آیات زیادی به علوم طبیعی پرداخته و مطالب علمی دقیقی در امور مختلف: کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی و آفرینش آسمان‌ها و زمین و آفرینش انسان و غیره صحبت کرده است. برای مثال در قرآن چنین آمده: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (انعام/۹۷)؛ «او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد، تا در تاریکی‌های خشکی و دریا، به وسیله آنها راه یابید! ما نشانه‌ها (ی خود) را برای کسانی که می‌دانند، (و اهل فکر و اندیشه‌اند) بیان داشتیم!» که مراد از علم در این آیات علم به آیات تکوینی و تدبّر در آنهاست و «این آیه یکی دیگر از جلوه‌های توحیدی حق را بیان می‌کند و آن تدبیر ستارگان برای هدایتگری انسان‌ها در تاریکی‌های صحرا و دریاست که بشر با مطالعه در نظام کیهانی و مدارها و موقعیت ستارگان و شناخت نظم و حرکت دقیق آن‌ها می‌تواند برنامه‌های دقیق دریایی و فضایی و پروژه‌های عظیم علمی را به ثمر برساند (جوادی‌آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۹: ۳۹۵/۲۶). در بخش روایات نیز به صورت گزینشی عمل کرده است روایات فراوانی از پیامبر اکرم ﷺ رسیده است که به مطلق علم و واجب بودن تحصیل آن اشاره دارد. «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۴: ۲/ ۴۸۸) جالب توجه است در ادامه همین روایت علم را سلاح در مقابل دشمن و زینت برای دوستان: «وَالسَّلَاحُ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَالزَّيْنُ عِنْدَ الْأَخْلَاءِ» معرفی کرده است که دلیل برگزیده قلمرو علم از نظر اسلام است.

سه. استقرای ناقص در استفاده از منابع

سها در کتاب نقد قرآن ادعا می‌کند که منابع اسلام دو چیز بیشتر نیست: قرآن و سنت محمد و برای روش خود در استفاده از منابع نوشته است: «این کتاب چون در پی بررسی قرآن است، منبع اولش صرفاً قرآن است و اگر آیه‌ای وضوح کافی نداشت، برای فهم معنای آیه به سنت مراجعه می‌شود، سنت هم سنت معتبر شامل کتب معتبر احادیث نبی، مخصوصاً صحیح بخاری و مسلم و شامل سیره رسول‌الله، سیره ابن اسحاق و ابن هشام و تاریخ طبری. به معتبرترین تفاسیر نیز مراجعه می‌شود تا برای اینکه مفهوم آیه‌ای با توجه به قرآن و سنت روشن‌تر شود، نه این که نظر مفسر اصل قرار داده شود (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۰).

نقد و بررسی

نویسنده استقرای ناقص از منابع اسلامی دارد. اول اینکه منابع اسلامی را دو چیز می‌داند، درحالی‌که در بین همه اهل سنت، اجماع نیز جزء منابع محسوب می‌شود و در بین شیعه، غیر از اجماع، و مهم‌تر از آن، عقل نیز جزء منابع است. ثانیاً ایشان هیچ استنادی به کتب روایی شیعه و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نکرده و نگاه ایشان به قرآن کریم تنها از یک زاویه خاصی که مختص به برادران اهل تسنن است اتفاق افتاده است پس نمی‌توان نتایج حاصله را نظر اسلام به معنای جامع دانست. اشکال دیگر نیز این است که نویسنده مدعی است، برای روشن‌تر شدن فهم آیه از تفاسیر معتبر نیز استفاده می‌کند، نه اینکه نظر مفسر را اصل قرار دهد؛ اما در این بخش نیز در مقام عمل دیدگاه مفسران و یا مترجمان را به عنوان اصل و مبنا در نظر گرفته و به ارائه شبهه پرداخته است. برای مثال از برخی ترجمه استفاده کرده و عبارت «ماء مهین» را در آیه «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» به «آبی پست» ترجمه کرده است. (سها، نقد قرآن ۱۳۹۳: ۵۶ - ۵۵)، درحالی‌که بر اساس معنای واژه «مهین» در فرهنگ لغات و همچنین بر اساس برخی ترجمه و تفسیرها مراد از «ماء مهین» به معنای مایع قلیل و اندک و یا مایع ضعیف است و با آنچه در علم جنین‌شناسی درباره ویژگی نطفه انسان آمده، هماهنگی کامل دارد. این عبارت یکی از اعجاز علمی قرآن درباره ویژگی نطفه انسان است (ر.ک. زاهدی و همکاران، بررسی شبکه معنایی نطفه در قرآن با پاسخ به شبهات، ۱۳۹۷: ۱۹۵ - ۱۹۰).

ب. اشکالات محتوایی

پیش‌فرض نویسنده این است که قرآن کریم به علوم تجربی نپرداخته و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز علوم دیگر را غیر از دین، علم نمی‌داند و ریشه همه این مسائل را به دلیل عدم آگاهی از علوم تجربی دانسته است، در این بخش پژوهش، آیات و روایاتی که مورداستناد او بوده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. برداشت‌هایی که نویسنده از آیات و روایات در اثبات پیش‌فرض خود بهره برده است. تفسیر به رأی تلقی می‌گردد و اشکال جدی بر آنها وارد است که به بررسی آنها می‌پردازیم تا حقیقت بر مخاطبین روشن گردد.

یک. بررسی تفسیر آیه ۹ سوره زمر

یکی از دلایل مولف کتاب نقد قرآن این آیه شریفه است: «أَمْ مَنْ هُوَ قَائِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر/۹)؛ «آیا چنین کسی (کافر) بهتر است یا آن کسی که در طول شب در سجده و قیام اطاعت (خدا) می‌کند (و) از آخرت می‌ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند تنها خردمندانند که متذکر (متوجه) می‌شوند.»



او منظور آیه را واضح و روشن دانسته و چنین نتیجه گرفته: «کسانی که در طول شب به اطاعت خدا مشغولند، علم دارند (یعلمون) و در مقابل کسانی که عبادت نمی‌کنند، علم ندارند (لا یعلمون)؛ بنابراین منظور از علم، علم به خدا و دین است.» (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۴۹).

نقد و بررسی

برای پاسخ به شبهه مطرح شده لازم است، آیه موردنظر با دقت بررسی و تبیین گردد تا مدلول و مفهوم آیه روشن شود. دلایل زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد مراد از علم در آیه مورد نظر، مطلق «علم و دانش» است نه علم خاص.

الف. حذف متعلق فعل دلیل بر عمومیت آن

دو فعل «یعلمون» و «لا یعلمون» در اصل فعل متعدی است؛ اما مفعولی به آن تعلق نگرفته در واقع فعل به صورت لازم آورده شده و مفعولی هم در تقدیر گرفته نمی‌شود؛ زیرا در اینجا مجرد اثبات علم و نفی آن موردنظر بوده و بدون اینکه به معلوم عام و خاصی تعلق داشته باشد (هاشمی، جواهر البلاغة، ۱۳۸۱: ۱۴۱). پس علم در آیه می‌تواند شامل هر علمی باشد.

ب. اراده عموم با اسم موصول

در اینجا اسم موصول در جایگاه فاعل آمده است و اشاره به شخص خاصی ندارد. در مواردی مشابه این آیه اسم موصول با ابهام همراه است و دلالت بر عموم یا اراده عموم می‌کند (حسن، النحو الوافی، ۱۳۶۷: ۴۸۸/۱).

ج. اختلاف در مفرد و جمع بودن جملات آیه

در آیه قبل و ابتدای آیه مذکور از یک فرد کافر و یک شخص خداپرست صحبت می‌کند؛ اما در انتهای آیه جمله «قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الذِّینَ یَعْلَمُونَ وَ الذِّینَ لَا یَعْلَمُونَ» به صورت جمع آورده شده است که کلی و عمومی بودن آن را می‌رساند و ماجرایی قبل از آن در حقیقت یکی از مصداق‌های آن است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه فرموده‌اند: علم داشتن و نداشتن هر دو مطلق آمده و قرآن نفرموده علم به چه چیزی لیکن با توجه به خود آیه مراد علم به خداوند است؛ چون علم به خداست که آدمی را به کمال می‌رساند و نافع به حقیقت معنای کلمه است، و نیز نداشتنش ضرر می‌رساند، و اما علوم دیگر مانند مال هستند، که تنها در زندگی دنیا بدرد می‌خورد و با فنای دنیا فانی می‌گردد (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۳۷۰/۱۷) و این جمله با استفهام انکاری شروع شده و از شعارهای اساسی اسلام در مورد مقام و عظمت علم و عالمان است و این نابرابری به صورت مطلق ذکر شده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۳۹۴/۱۹).

فخر رازی بر اساس آیه مذکور علم و عمل هردو را شرط رسیدن به کمال انسانی دانسته و گفته است: بدان که این آیه بر اسرار عجیبی دلالت می‌کند، اول اینکه شروع آیه با عمل است و ختم آن با علم، اما عمل: قانت و قائم بودن است؛ اما علم یعنی دانایان و جاهلان یکسان نیستند و این دلالت می‌کند بر اینکه کمال انسان محصور در این دو مقصود است، پس عمل و آغاز است و علم و مکاشفه، نهایت و پایان. (فخر رازی، تفسیر کبیر، ۲۶: ۴۲۹/۱۴۲۰).

مفسران معانی مختلفی برای عبارت «أُولُواْ لِلْأَبَابِ» ذکر کرده‌اند: «صاحبان عقل» (طوسی، التبیان، بی تا: ۱۳/۹؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۳۷۱/۱۷)، «صاحبان فکر و مغز» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۳۹۴/۱۹)، «خردمندان و آگاهان» (مغنیه، ترجمه تفسیرکاشف، ۱۳۷۸: ۶۵۲/۶)، «صاحبان عقل خالص از شوائب و اوهام» (شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنی عشری، ۱۳۶۳: ۲۲۵/۱۱)، «کسانی که عقل سلیم دارند» (بروجردی، تفسیر جامع، ۱۳۶۶: ۶۱/۶)؛ اما دقیق‌ترین تعریف را خود قرآن کریم فرمودند: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُواْ الْأَبَابِ» (زمر/۱۸)؛ «به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند؛ اینانند که خدایشان راه کرده و اینانند همان خردمندان». بنابراین «أُولُواْ لِلْأَبَابِ» به معنای عالم دینی یا عابد و مؤمن نیست؛ بلکه کسانی هستند که از بهترین کلام و قول پیروی می‌کنند؛ یعنی افرادی که تقلید کورکورانه نمی‌کنند و از قدرت عقل و تفکر بهره می‌برند و از ابزار علم و دانش برای رسیدن به حقیقت استفاده صحیح می‌کنند.

بنابراین روشن شد مراد از علم در آیه مورد بحث مطلق بوده و هر علم و دانشی را شامل می‌شود؛ اما آیه مورد بحث بر اساس سیاق و تناسب جملات بیانگر این نکته مهم است که علم و دانش باید به دست انسانی باشد که دارای عمل صالح است و در دل شب در حال عبادت خداوند است. از یک طرف از آخرت می‌ترسد و از طرف دیگر به رحمت پروردگارش امیدوار است (يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يُجْوَا رَحْمَةَ رَبِّهِ).

مقام معظم رهبری مطالبی بیان کرده‌اند که می‌تواند بیانگر بهترین تفسیر برای آیه مورد نظر و آیات مشابه باشد؛ امام خامنه‌ای فرمودند: «عالم اگر متدین باشد، از علم او جامعه بهره حقیقی می‌گیرد. دین جلوی پیشرفت علم را نمی‌گیرد؛ بلکه حتی به پیشرفت علم کمک هم می‌کند؛ اما جلوی تعدی علم و تخطی از حدود انسانیت را که ممکن است علم به آن دچار شود، می‌گیرد.» (امام خامنه‌ای، دیدار با نخبگان جوان، شهریور ۱۳۸۵).



در جای دیگر علم بدون دین را وسیله تخریب حرث و نسل دانسته و فرمودند: «علمی که از دین جدا شد و خودش را متعهد به دین ندانست، نتیجه‌اش همین می‌شود که امروز در دنیا رایج است؛ علم وسیله زورگویی است، وسیله استثمار است، وسیله تخریب حرث و نسل است.» (امام خامنه‌ای، بازدید از دانشکده رویان، تیرماه ۱۳۸۶).

بنابراین آیه درصدد انحصار علم به علم دینی نیست؛ بلکه بیانگر این نکته مهم است که علم فقط با همراهی دین و اخلاق و معنویت مفید است به عبارت دیگر علم بدون اخلاق و معنویت وسیله ظلم و انحراف اخلاقی است.

دو. بررسی آیات ۱۹۰ و ۱۹۱ سوره آل عمران

پیش‌فرض دیگر نویسنده «نقد قرآن»، آیات ۱۹۰ و ۱۹۱ سوره آل عمران است که به نظر ایشان این آیات نمونه عالی هستند بر اینکه تفکر موردنظر قرآن تفکری است که منجر به ایمان شود (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۴۹).

نقد و بررسی

خردورزی، تفکر و اندیشیدن از امور مهمی است که در آیات و روایات فراوانی بر آن تأکید شده است؛ اما هر اندیشه و تفکری را نمی‌توان ارزشمند دانست؛ بلکه تفکری مفید و ارزشمند خواهد بود که انسان را به صلاح دنیا و سعادت آخرت و کمال مطلوب انسانی برساند و موجب تقرب انسان به خدای جهانیان گردد.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه فرمودند: «حاصل معنای دو آیه این است: نظر کردن و اندیشیدن در آیات آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز در نظرکننده و اندیشنده ذکر دائمی از خدا را پدید آورد و در نتیجه صاحبان این نظر و اندیشه دیگر در هیچ حالی خدا را فراموش نمی‌کنند، و نیز باعث می‌شود که در خلقت آسمان‌ها و زمین تفکر کنند، و به این وسیله متوجه شوند که خدای تعالی بزودی آنان را مبعوث خواهد کرد، و به همین جهت از خدای تعالی درخواست رحمتش را کرده و از او می‌خواهند وعده‌ای را که داده، در حق آنان تحقق بخشد.» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۸۷/۴).

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه نوشته است: این آیات مردم را به اندیشه در آفرینش بزرگ جلب و جذب می‌کند، تا هرکس به اندازه پیمانه استعداد و تفکرش از این اقیانوس بی‌کران سهمی ببرد و از سرچشمه صاف اسرار آفرینش سیراب گردد. در ادامه فرمودند: نقشه دلربا و شگفت‌انگیزی که در گوشه و کنار این جهان و در پهنه هستی به چشم می‌خورد آن‌چنان قلوب صاحبان خرد را بخود جذب

می‌کند که در جمیع حالات خود، چه ایستاده و چه نشسته و یا در حالی که در بستر آرمیده، و به پهلوی خوابیده‌اند، به یاد پدیدآورنده این نظام و اسرار شگرف آن هستند و در اسرار آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند؛ یعنی همیشه و در همه حال غرق این تفکر حیات‌بخشند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲۱۶/۱۳۷۶:۳).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مراد آیه این است که خداوند این نظام عالم را هدفمند آفریده است و نهایت آن پوچ و باطل نیست و صاحبان خرد و اندیشه همواره و در همه حال آفریننده این نظام هدفمند را باور دارند و به یاد او هستند و این بزرگترین نعمت بر صاحبان خرد است که این تفکر و باور کردن الله موجب می‌شود که آنان از راه حق منحرف نگردند. بنابراین ایمان و باورکردن خالق جهان هستی و هدفمند دانستن آن هیچ منافاتی با علم و صاحبان خرد ندارد، بلکه مفید و ارزشمند است و برای بشریت نیز سودمند خواهد بود.

سه. بررسی آیات ۲۲ و ۵۵ سوره انفال

پیش‌فرض دیگر مؤلف «نقد قرآن» این است که از عدم تفکر کافران در آیات قرآن، بی‌خردی دانشمندان کافر را نتیجه گرفته است. او با کنار هم قراردادن دو آیه از سوره (انفال/۲۲) و (انفال/۵۵) این‌گونه گفته است: از مفهوم آیات استفاده می‌شود که کفر برابر با عدم تعقل و ایمان مساوی با تعقل است. در نتیجه کسی که ایمان ندارد، فاقد تفکر و تعقل و علم است هر چند استاد ریاضی و نجوم و فیزیک باشد. (سها، نقد قرآن، ۱۳۹۳: ۵۲).

نقد و بررسی

تفکر و تعقل نه فقط در علم، بلکه در تمامی شئون زندگی، از جمله در ارتباط و تعامل فرد با خالق و آفریننده هستی نیز کاربرد دارد. در دو آیه مذکور عبارت «شر الدواب» بیانگر این نکته است. خداوند متعال به کسانی که از عقل استفاده و بهره نمی‌برند. آنان را بدتر از آن موجوداتی می‌داند که عقل ندارند؛ زیرا عقل یک موهبت الهی است و در اختیار دارند؛ اما از آن بهره نمی‌برند، بنابراین «ارزش انسان به خردورزی اوست، اگر تعقل نکند، بدترین جنبندها می‌شود.» (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ۲۹۲/۳).

سها دانشمند کافر را مراد آیه می‌داند؛ اما اگر به سیاق آیات موردنظر توجه می‌کرد، حقیقت روشن می‌شد. در آیه ۲۲ انفال مراد از بدترین جنبندها را کسانی می‌داند که حق و حقیقت را می‌شنوند؛ اما آن را نمی‌پذیرند. گویا که نشنیده و نفهمیده‌اند. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ»



(انفال/۲۱) «همانند کسانی نباشید که گفتند شنیدیم؛ اما در حقیقت نمی‌شنوند.» بنابراین تعبیرات آیه عام است و شامل هر حق و حقیقتی است و بر اساس سیاق، بدترین جنبندگان کسانی هستند که با وجود اینکه دارای ابزار شنوایی و فهم هستند؛ اما از این موهبت الهی هیچ بهره‌ای نمی‌برند و پذیرای هیچ حق و حقیقتی نیستند.

اما مراد از کافران در آیه دوم بر اساس سیاق کافران حربی است. «فَإِمَّا تَثَقَّفَتْهُمْ فِي الْحَرْبِ» (انفال/۵۷)؛ و اهل خیانتند. «وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً» (انفال/۵۸)؛ و در کفر خود استوارند. «الَّذِينَ كَفَرُوا» به هیچ عهد و پیمانی که خود بسته‌اند، پایبند نمی‌مانند. «الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ» (انفال/۵۶)؛ بنابراین آیه مورد بحث ارتباطی با کافرانی که حق جو و حق طلب باشند و منصفانه درباره اسلام تحقیق و پژوهش کنند و یا به عهد و پیمان خود پایبند باشند، ندارد؛ بلکه برقراری رابطه دوستانه و نیکی کردن به کافران و مشرکانی که به عهد و پیمان خود پایبند هستند و بر علیه دین و مسلمانان توطئه نمی‌کنند، مورد تأکید قرآن است. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ» (ممتحنه/۸)؛ تا حرف حق و کلام حق را بشنوند و «...فَأَجِزْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» (توبه/۶) و بدان ایمان بیاورند.

ج. اشکالات در شیوه بهره‌گیری از احادیث

یک. استفاده از چند منبع محدود و عدم توجه به خانواده حدیثی

با وجود منابع متعدد در کتب روایی اهل سنت و شیعه در این شبهه فقط چند روایت هدفمند در راستای منظور و هدف مؤلف آورده شده، که از کتب اهل سنت انتخاب شده است. در صورتی که مبحث علم و دانش دارای روایات فراوانی در بسیاری از کتب است. و حتی برخی از جوامع روایی با در کنار هم قرار دادن احادیث موضوعی و تشکیل مجموعه کاملی از خانواده حدیثی، بستری مناسب برای پژوهش‌های موضوعی فراهم ساخته‌اند. همانند کتاب شریف الکافی نوشته شیخ کلینی از جوامع روایی است که دو کتاب «العقل و الجهل» و همچنین کتاب «فضل العلم» دارد و به بیان مجموعه کاملی از روایات در زمینه علم و فضیلت آن پرداخته است.

به عنوان نمونه امام باقر (ع) فرمود: «عالمی که از علمش بهره برد (یا بهره برند)، بهتر از هفتاد هزار عابد است.» (کلینی، أصول الکافی، ۱۳۶۹: ۴۰/۱) و از حضرت صادق (ع) آمده است: «عقل راهنمای مؤمن است» (همان: ۲۹/۱).

همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «ای مردم بدانید کمال دین طلب علم و عمل بدانست، بدانید که طلب علم بر شما از طلب مال لازم‌تر است؛ زیرا مال برای شما قسمت و تضمین شده. عادل (که خداست) آن را بین شما قسمت کرده و تضمین کرده و بشما می‌رساند، ولی علم نزد اهلش نگه‌داشته شده و شما مأمورید که آن را از اهلش طلب کنید، پس آن را بخواهید.» (همان: ۳۵/۱).

دو. بی‌توجهی به روایات اهل بیت علیهم السلام

با وجود اینکه دلایلی از اندیشمندان اسلامی و شیعی در این نقد آمده است؛ اما متأسفانه روایات گران‌بهای ائمه و معصومین علیهم السلام درباره علم و دانش مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. برای مثال در روایتی امام رضا علیه السلام فرمودند: «دوست هر انسانی عقل او است و دشمن او جهلش است.» (کلینی، اصول الکافی، ۱۳۶۹: ۱۲/۱) و امام علی علیه السلام فرمودند: «هرکس به امید علم‌آموزی به دنبال علم برود. بین او و انبیاء علیهم السلام یک درجه فاصله است.» (عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ۱۴۱۵ ق: ۲۶۴/۵).

سه. بی‌توجهی به روش‌های فهم حدیث

در بیان معنا و تفسیر روایات نیز آسیب‌هایی وجود دارد. از جمله زمانی که چند منبع محدود بررسی شود و حدیثی که تقطیع شده اصل قرار گیرد و همچنین بی‌توجهی به اسباب ورود حدیث نیز می‌تواند از آسیب‌های حدیثی باشد. دو روایتی که در شبهه آمده نیز از چنین آسیب‌هایی در امان نبوده‌اند:

۱- حدیث اول: مؤلف نقد قرآن، روایتی تقطیع شده را در شبهه مطرح ساخته و بدون توجه به اسباب ورود حدیث، نتیجه‌ای غلط گرفته است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ، فَمَا وَرَاءَ ذَلِكَ فَهُوَ فَضْلٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ» (ابن‌ماجه، سنن ابن‌ماجه، ۱۴۱۸ ق: ۸۰/۱-۸۱؛ ابوداود، سنن ابی‌داود، ۱۴۲۰ ق: ۳/۱۲۶۱)؛ اما کامل روایت همراه با اسباب ورود آن در کتاب الکافی آمده است: «امام هفتم علیه السلام فرمودند: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد، دید جماعتی گرد مردی را گرفته‌اند، فرمود: چه خبر است؟ گفتند: علامه‌ای است. فرمود: «علامه یعنی چه؟» گفتند: داناترین مردم است بدودمان عرب و حوادث ایشان و به روزگار جاهلیت و أشعار عربی. پیغمبر فرمود: این‌ها علمی است که تا دانش را زیانی ندهد و عالمش را سودی نبخشد، سپس فرمود: همانا علم سه چیز است: آیه محکم، فریضه عادل، سنت پا برجا، و غیر از این‌ها فضل است.» (کلینی، اصول الکافی، ۱۳۶۹: ۳۷/۱)؛ بنابراین با اندکی تأمل می‌توان فهمید:

۱- به دلیل بی‌توجهی به سایر منابع، به خصوص کتب شیعه و اکتفا به چند حدیث محدود، به نظر می‌رسد نگارنده شبهه، این حدیث را ندیده است.



۲- حدیث کاملتر شامل اسباب ورود روایت است و نشان می‌دهد که حضرت محمد ﷺ در چه زمانی و در بستر چه رویدادی این سخنان را فرمودند و سه علمی را که بر می‌شمارند در مقایسه با چه علمی بوده است.

۳- در این روایت از علم بی‌ارزش و غیرضروری چنین تعبیر شده است: «علمی که دانش را زیانی ندهد و عالمش را سودی نبخشد.» (همان). پس از مفهوم آن می‌توان نتیجه گرفت که ملاک در ارزش و اهمیت علم به سود و منفعتی است که نصیب عالم و اطرافیانش می‌کند و سه مورد از مهم‌ترین علم‌های سودمند را بیان فرمودند و باتوجه به ملاکی که در حدیث موجود است، سایر علوم مفید و موردنیاز بشر نیز از علوم سودمند هستند. همچنین علومی که فضل یا زیادی خوانده شده مطابق با همان ملاک تعریف می‌شود و علمی است که هیچ نفعی برای بشر نداشته باشد.

۲- حدیث دوم: مؤلف کتاب نقد قرآن برای اینکه پیش‌فرض خود را اثبات نماید، علم از دیدگاه قرآن را فقط علم دینی معرفی کند و غیر آن را گمراه‌کننده به حدیث زیر استناد کرده است: «مَنْ ابْتَغَى الْعِلْمَ فِي غَيْرِهِ أَضَلَّهُ اللَّهُ» (عیاشی، تفسیر العیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۶/۱؛ جرجانی، درج‌الدرر، ۱۴۳۰ ق: ۵۴۷/۲؛ قیسی عاملی، تفسیرالبیان الصافی، بی‌تا: ۱۳۲/۵) و مدعی شده که اگر کسی در غیر قرآن دنبال علم به گردد گمراه می‌شود. درحالی‌که در اصل روایت آمده که ایشان فرمودند: «إِنَّ أُمَّتَكَ سَتُفْتَنُ فُسَيْلَ مَا الْمَخْرُجُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ: كِتَابُ اللَّهِ الْعَزِيزِ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ، تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ، مَنْ ابْتَغَى الْعِلْمَ فِي غَيْرِهِ أَضَلَّهُ اللَّهُ...» (همان). مشخص است که اسباب ورود روایت مربوط به فتنه‌های آینده و سؤال از چگونگی خروج از آن‌هاست و پیامبر اسلام ﷺ در مقام پاسخگویی به پرسش مذکور بودند و کلام ایشان باید متناسب با سؤال مطرح شده تفسیر گردد. معنای «علم» در اینجا آگاهی از نحوه دفع فتنه‌های پیشرو با تمسک به قرآن است و منظور از «اضله» هم گمراهی ناشی از عدم رفع فتنه‌هاست. این شیوه بیان حدیث از جانب نقدکننده مذکور نشان‌دهنده عدم بی‌طرفی و تقطیع هدفمند از سوی ایشان است.

د. توجه قرآن به علوم تجربی

مؤلف کتاب نقد قرآن، مدعی است قرآن کریم به علوم تجربی نپرداخته است؛ اما خود ایشان بیش از ۲۰۰ صفحه از کتاب خود را به بررسی آیات مربوط به علوم تجربی در قرآن اختصاص داده است و این نشانگر اهمیت و گستردگی توجه قرآن به علوم تجربی است و همچنین برخلاف ادعای او قرآن کریم و آورنده آن پیامبر اکرم ﷺ از علوم مختلف اطلاع و آگاهی داشتند و در قرآن بیش از ۱۳۰۰ آیه درباره علوم تجربی آمده است. (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۵) (قرآن و علوم طبیعی و انسانی)، ۱۳۹۲: ۵۰).

قرآن کریم از آغاز آفرینش آسمان و زمین (انبیاء/۳۰)، ماده اولیه تشکیل دهنده آن‌ها (هود/۷؛ انبیاء/۳۰؛ فصلت/۱۱) و مراحل و دوره‌های این آفرینش (اعراف/۵۴؛ یونس/۳؛ هود/۷؛ حدید/۴؛ سجده/۴؛ فرقان/۵۹؛ ق/۳۸؛ فصلت/۱۲-۹) و نیز از برخی تحولات و تغییرات صورت گرفته در این روند (نازعات/۳۳-۲۷؛ فصلت/۱۲-۹؛ ذاریات/۴۷) سخن گفته است.

قرآن کریم از خورشید (انعام/۷۸، ۹۶؛ اعراف/۵۴)، ماه (بقره/۱۸۹؛ انعام/۷۷)، زمین (بقره/۲۲؛ رعد/۳، ۴۱؛ حجر/۱۹) و حرکت‌های آن‌ها (یس/۳۸، ۴۰؛ انبیاء/۳۳) و نیز ستارگان (انعام/۹۷؛ صافات/۸۸)، سیارات (انفطار/۲؛ صافات/۶) و بسیاری دیگر از موضوعات نجومی سخن گفته است. خداوند متعال در این کتاب شریف به بیان مسائلی مانند، هفت آسمان (بقره/۲۹؛ اسرا/۴۴؛ مومنون/۸۶) و موجودات فضایی (شوری/۲۹؛ رحمن/۲۹؛ نحل/۴۹؛ اسرا/۴۴) پرداخته است که علم تجربی هنوز نتوانسته درباره آن نظر روشنی ارائه دهد (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۵) (قرآن و علوم طبیعی و انسانی)، ۱۳۹۲: ۲۸۰).

بیش از ۱۵۰ آیه قرآن پیرامون کیهان‌شناسی و ترغیب انسانها به تفکر، تعقل و تدبّر در آفرینش آسمانها و زمین است. (مسترحمه، قرآن و نجوم، ۱۳۸۷: ۹۲) درست است که قرآن کتاب هدایت است و هدف اصلی از فرستادن آن رهنمونی انسان به کمال است. اما محققان طرح مسائل علمی به ویژه مباحث نجومی را یکی از راه‌های رسیدن انسان به هدایت مطلوب و کمال انسانی می‌دانند. (همان: ۱۰۰)

یکی از موضوعات علوم تجربی که قرآن بدان پرداخته است، آیات مربوط به مراحل آفرینش انسان در جنین است. قرآن کریم مراحل خلقت انسان در رحم را به گونه‌ای تشریح کرده که شناخت آن بدون داشتن تجهیزات پزشکی امکان‌پذیر نبوده است. این توصیفات و تعبیر قرآن در حین سادگی و روان و قابل فهم بودن با دستاوردهای قطعی علوم به‌ویژه علم جنین‌شناسی کاملاً هماهنگی و مطابقت دارد.

قرآن کریم برای آغاز آفرینش جنین تعبیری مثل «ماءٍ مهین» (سجده/۸ و مرسلات/۲۰)، «نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ» (انسان/۲)، «ماءٍ دافق» به کار برده است که در اینجا به بررسی یکی از این‌ها می‌پردازیم. «ماءٍ دافق» از واژگان تک‌کاربردی است فقط یکبار و در سوره طارق آمده است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ» (الطارق/۶ - ۵)؛ «انسان باید بنگرد که از چه چیز آمده است از مایع متحرک و سریع آفریده شده است.» واژه «دافق» اسم فاعل از ریشه «دفع» بوده و در فرهنگ لغات به معانی متعددی آمده است. یکی از معانی آن به معنای سرعت و حرکت است (ابن‌سیده، المحکم و المحيط الأعظم بی تا: ۳۲۰/۶؛ جوهری، الصحاح، ۱۴۲۵ ق: ۴/۱۴۷۵)؛ بنابراین دافق اسم فاعل و صفت ماء



است؛ یعنی خداوند انسان را از مایع متحرک آفریده است و در علم جنین‌شناسی نیز چنین آمده: «اسپریم‌هایی که در مایع منی مرد وجود دارند، باید زنده و متحرک باشد تا اینکه عمل باروری انجام گیرد؛ به عبارت دیگر، متحرک‌بودن اسپرم‌ها شرط باروری است.» (زندانی، علم الاجنة فی ضوء القرآن و السنة، ۱۳۴۳ ق: ۳۵). از نظر علم جنین‌شناسی، اسپرم از خود حرکت ذاتی دارد، ولی تخمک زن از خود حرکت ذاتی ندارد؛ بلکه در مدت کوتاهی قبل از تخمک‌گذاری، شرابه‌های لوله رحمی شروع به جاروکردن سطح تخمدان می‌کنند و خود لوله رحمی هم شروع به انقباضات منظم می‌کند. پژوهشگران بر این باورند که این حرکات جاروکننده شرابه‌ها و حرکات مژک‌های روی مخاط لوله رحمی است که اووسیت احاطه‌شده را به داخل لوله رحمی منتقل می‌کند. پس از قرار گرفتن اووسیت در لوله رحمی، انقباضات عضلانی لوله رحمی و نیز حرکت مژک‌های روی مخاط لوله، آن را با سرعتی که توسط عوامل درون‌ریز در جریان و پس از تخمک‌گذاری قابل تنظیم است، به جلو می‌رانند. در انسان، اووسیت لقاح‌یافته طی تقریباً ۳ تا ۴ روز به فضای رحمی می‌رسد (سادلر، جنین‌شناسی لانگمن، ۱۳۹۴: ۵۹-۵۸). بنابراین اشاره قرآن کریم به منشأ شکل‌گیری جنین از مواردی مثل «ماء دافق» یعنی مایعی که در خود حرکت دارد و علم امروزی نیز از این حقیقت پرده برداشته است از تعبیر شگفت‌انگیز قرآن است که می‌تواند دلیل بر اعجاز علمی و حقانیت این کتاب آسمانی باشد.

بنابراین قرآن کریم کتاب هدایت است اما در راستای این هدف متعالی روش‌های گوناگونی برای این امر مهم پیش گرفته است، که یکی از آنها طرح گزاره‌های علمی واقع نما است. (فغفور مغربی، رابطه گزاره‌های قرآنی و گزاره‌های علمی، ۱۳۸۶: ۳۸)

نتیجه

می توان به مطالب ذیل به عنوان دستاورد این تحقیق اشاره کرد.

۱- برخلاف پیش فرض نویسنده که علم مورد نظر قرآن را منحصر در علم دینی می داند؛ اما از نظر اسلام و به ویژه قرآن کریم هر علمی که مفید یقین باشد نه فرضیه و وهم و خیال، دینی و اسلامی خواهد بود.

۲- آنچه از بررسی آیات قرآن کریم و روایات استفاده می شود، مطلق و عام بودن علم مراد است، نه علوم خاص و بر اساس تناسب و سیاق آیات مورد بحث آمدن علم با اموری مثل ایمان و یا اطاعت و عبادت خداوند به معنای همراهی علم با ایمان و معنویت و دین مراد است، نه انحصار علم در دین.

۳- برخلاف تصور و ادعای سها، قرآن کریم در آیات فراوانی به علوم تجربی، آفرینش آسمان ها و زمین، آفرینش انسان و مراحل رشد او در جنین و بسیاری از علوم تجربی دیگر پرداخته است که به مطالب دقیق علمی اشاره دارد و در برخی موارد می توان اعجاز علمی قرآن را اثبات نمود که دلیل بر حقانیت و وحیانی بودن قرآن دارد.



منابع

۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل، «المحکم و المحيط الأعظم»، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
۲. ابن ماجه، محمد بن یزید، «سنن الحافظ أبی عبدالله محمد بن یزید القزوینی ابن ماجه»، لبنان: دارالجلیل، ۱۴۱۸ ق.
۳. ابوداود، سلیمان بن اشعث، «سنن أبی داود»، مصر: دارالحديث، ۱۴۲۰ ق.
۴. اسمی قیه‌باشی، صمد، رساله «نقد و بررسی شبهات مربوط به آیات جنین در قرآن کریم» دانشکده اصول الدین قم، ۱۳۹۵.
۵. بروجردی، محمد ابراهیم، «تفسیر جامع»، تهران: کتابخانه صدر، چ ششم، ۱۳۶۶ ش.
۶. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، «درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم»، عمان: دارالفکر، ۱۴۳۰ ق.
۷. جوادی آملی، عبدالله، «دین شناسی»، محقق: محمدرضا مصطفی پور، اسرا، قم: چاپ پنجم، پاییز ۱۳۸۷ هـ ش.
۸. _____، «ادب فنای مقربان»، اسرا، قم: ۱۳۹۶ هـ ش.
۹. _____، «تفسیر تسنیم»، محقق: حسن واعظی محمدی، جلد ۶، اسرا، قم: چاپ هشتم، تابستان ۱۳۸۹ هـ ش.
۱۰. _____، «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی»، محقق: احمد واعظی، اسرا، قم: چاپ پنجم، تابستان ۱۳۸۹ هـ ش.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، «الصحاح»، مصحح: احمد عبدالغفور عطار، چاپ اول، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۲۵ ق/ ۲۰۰۵ م.
۱۲. حسن، عباس، «النحو الوافی مع ربطه بالأسالیب الرفیعة و الحیاة اللغویة المتجددة»، تهران: ناصر خسرو، چ ۲، ۱۳۶۷ ش.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، «بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران»، ۱۳۹۷ ش.
۱۴. _____، «سخنرانی، بازدید از دانشکده رویان»، تیرماه ۱۳۸۶.
۱۵. _____، «سخنرانی، دیدار با نخبگان جوان»، شهریور ۱۳۸۵.
۱۶. _____، «سخنرانی، دیدار اعضا جهاد دانشگاهی»، تیرماه ۱۳۸۳.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، و علی اکبر فراهی بخشایش، «سازگاری قرآن و علوم طبیعی از منظر مستشرقان»، قرآن پژوهی خاورشناسان، سال نهم، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۲.

۱۸. _____، «تفسیر قرآن مهر»، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. _____، «درآمدی بر تفسیر علمی قرآن کریم»، قم: اسوه، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. _____، «منطق تفسیر قرآن (۵) (قرآن و علوم طبیعی و انسانی)»، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۲ ش.
۲۱. رضایی، حسین؛ میرعرب، فرج‌الله، «بررسی شبهات دکتر سها در مورد هفت آسمان در قرآن کریم»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث سال شانزدهم، شماره ۳ (پیاپی ۴۳)، پاییز ۱۳۹۸.
۲۲. زاهدی، عبدالرضا؛ اسمی‌قیه‌باشی، صمد؛ خوش‌نیت، غلامرضا، «بررسی شبکه معنای نطفه در قرآن کریم با پاسخ به شبهات»، مجله انسان پژوهی دینی، سال چهارم، شماره ۳۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۲۳. زندانی، عبدالمجید، «علم الاجتهاد فی ضوء القرآن و السنة»، الطبعة الأولى، بیروت، ۱۴۳۲ ق/ ۲۰۱۱ م.
۲۴. سادلر، توماس، «جنین شناسی پزشکی لانگمن»، مترجم: غلامرضا حسن‌زاده و همکاران، ویرایش سیزدهم، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۹۴.
۲۵. سها، «نقد قرآن»، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۹۳ ش.
۲۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، «الدرالمثور فی التفسیر بالماثور»، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی ﷺ، ۱۴۰۴ ق.
۲۷. شاه‌عبدالعظیمی، حسین، «تفسیر اثنی عشری»، تهران: میقات، ۱۳۶۳ ش.
۲۸. طباطبایی، محمدحسین، «تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن»، مترجم: محمد باقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۰. عروسی‌حویزی، عبدعلی بن جمعة، «تفسیر نورالثقلین»، قم: اسماعیلیان، چ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. عیاشی، محمد بن مسعود، «تفسیر العیاشی»، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
۳۲. فخررازی، محمد بن عمر، «التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)»، چاپ سوم، لبنان- بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۳. فغفور مغربی، حمید، «رابطه گزاره‌های قرآنی و گزاره‌های علمی»، مجله قرآن و علم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۶.



۳۴. فولادوند، محمد مهدی، «ترجمه قرآن کریم»، تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۴۱۵ق.
۳۵. قیسی عاملی، محمدحسن، «تفسیرالبیان الصافی لکلام الله الوافی»، بیروت: مؤسسة البلاغ، بی‌تا.
۳۶. قرائتی، محسن، «تفسیر نور»، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، «أصول الکافی»، مترجم: سید جواد مصطفوی، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۳۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، «بحار الأنوار»، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۹. مسترجمی، سید عیسی و جواد گودرزی «حرکت خورشید در قرآن و پاسخ به شبهات نوپدید آن»، مجله قرآن و علم، دوره ۱۳، شماره ۲۴، شهریور ۱۳۹۸.
۴۰. مسترجمی؛ سید عیسی، «قرآن و نجوم»، مجله قرآن و علم، دوره ۲، شماره ۲، سال دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۷ ش.
۴۱. مطهری، مرتضی، «مجموعه آثار استاد شهید مطهری»، تهران: صدرا، چ هفتم، ۱۳۸۴ ش.
۴۲. معرفت، محمد هادی، «تفسیر و مفسران»، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۹ ش.
۴۳. مغنیه، محمد جواد، «ترجمه تفسیر کاشف»، مترجم: موسی دانش، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ش.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چ ۱۰، ۱۳۷۱ ش.
۴۵. مؤدب، سیدرضا، دانشگر، مجید رضا و خادمی، حمیدرضا، «سازگار یا عدم سازگاری قرآن و علم جدید»، مجله قرآن و علم، دوره ۴، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۴۶. هاشمی، احمد، «جواهرالبلاغه»، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چ پنجم، ۱۳۸۱ ش.

References

۱. Quran Karim (Translation of the Holy Quran): Translated by Foladwand, Mohammad Mehdi, Center for Islamic History and Sciences, Tehran: ۱۴۱۵ AH (۱۹۹۴ CE).
۲. Abu Dawood, Sulaiman bin Ash'ath, Sunan Abi Dawood, Egypt: Dar al-Hadith, ۱۴۲۰ AH (۱۹۹۹ CE).
۳. Arousi Hawizi, Abdul Ali bin Jumah, Tafsir Nur al-Thaqalayn (The Exegesis of Light of the Two Weighty Things), Qom: Ismailian Publications, ۴th Edition, ۱۴۱۵ AH (۱۹۹۴ CE).
۴. Ayyashi, Mohammad bin Mas'ud, Tafsir al-Ayyashi, Tehran: Al-Matba'ah al-Ilmiyyah, ۱۳۸۰ AH (۲۰۰۱ CE).
۵. Burujirdi, Mohammad Ibrahim, Tafsir Jame' (The Comprehensive Exegesis), Tehran: Sadr Library, ۶th Edition, ۱۳۶۶ SH (۱۹۸۷ CE).
۶. Fakhr Razi, Mohammad bin Umar, Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb) (The Grand Commentary - Keys to the Unseen), ۳rd Edition, Lebanon - Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۴۲۰ AH (۱۹۹۹ CE).
۷. Hashemi, Ahmad, Jawahir al-Balaghah (Gems of Eloquence), Qom: Management Center of Qom Seminary, ۵th Edition, ۱۳۸۱ SH (۲۰۰۲ CE).
۸. Hassan, Abbas, Al-Nahw al-Wafi Ma'a Rubtuh Bil-Asalib al-Rafi'ah wa al-Hayat al-Lughawiyyah al-Mutajadidah (Complete Grammar with Its Connection to Elevated Methods and Renewed Linguistic Life), Tehran: Naser Khosrow, ۲nd Edition, ۱۳۶۷ SH (۱۹۸۸ CE).
۹. Hussein Khamenei, Sayyid Ali, Second Step of the Revolution Statement Addressed to the Iranian Nation, ۱۳۹۷ SH (۲۰۱۸ CE).
۱۰. Hussein Khamenei, Sayyid Ali, Speech, Meeting with University Jihad Members, ۱۳۸۳ SH (July ۲۰۰۴ CE).
۱۱. Hussein Khamenei, Sayyid Ali, Speech, Meeting with Young Elite, ۱۳۸۵ SH (September ۲۰۰۶ CE).
۱۲. Hussein Khamenei, Sayyid Ali, Speech, Visit to Ruyan Center, ۱۳۸۶ SH (July ۲۰۰۷ CE).
۱۳. Ibn Majah, Mohammad bin Yazid, Sunan al-Hafiz Abi 'Abdullah Mohammad bin Yazid al-Qazwini Ibn Majah, Lebanon: Dar al-Jayl, ۱۴۱۸ AH (۱۹۹۷ CE).
۱۴. Ibn Sayyidah, Ali bin Isma'il, Al-Muhkam wa Al-Muhit Al-A'zam (The Strongest and Most Comprehensive), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
۱۵. Ismi-Qiyah-Bashi, Samad, Essay "Naqd wa Barresi Shubahat Marbut be Ayat Janin dar Quran Karim (Critique and Examination of Doubts Regarding Fetus Verses in the Holy Quran)", Qom Faculty of Theology, ۱۳۹۵ SH (۲۰۱۶ CE).
۱۶. Javadi Amoli, Abdullah, Adab Fanaye Moqarrabin (Etiquettes of the Approaching God), Esra Publications, Qom: ۱۳۹۶ SH (۲۰۱۷ CE).
۱۷. Javadi Amoli, Abdullah, Din Shenasi (Religious Studies), Researched by Mohammad Reza Mustafapur, Esra Publications, ۵th Edition, Autumn ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۱۸. Javadi Amoli, Abdullah, Manzilat-e Aql dar Hendese-ye Ma'arif-e Dini (The Position of Intellect in the Geometry of Religious Knowledge), Researched by Ahmad Vaezi, Esra Publications, ۵th Edition, Summer ۱۳۸۹ SH (۲۰۱۰ CE).



۱۹. Javadi Amoli, Abdullah, Tafsir Tasnim (Tasnim Exegesis), Researched by Hassan Vaezi Mohammadi, Volume ۶, Esra Publications, ۸th Edition, Summer ۱۳۸۹ SH (۲۰۱۰ CE).
۲۰. Johari, Isma'il bin Hammad, Al-Sahah (The Correct Meanings), Edited by Ahmad Abdulghafoor Attar, ۱st Edition, Beirut: Dar al-Ilm Lil-Malayan, ۱۴۲۵ AH (۲۰۰۵ CE).
۲۱. Jurjani, Abdul Qahir bin Abdul Rahman, Darj Durar fi Tafsir al-Quran al-Azim (Treasure of Gems in the Interpretation of the Glorious Quran), Oman: Dar al-Fikr, ۱۴۳۰ AH (۲۰۰۹ CE).
۲۲. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, Usul al-Kafi (The Principles of Kafi), Translated by Sayyid Jawad Mustafawi, Tehran: Islamic Scholarly Bookstore, ۱۳۶۹ SH (۱۹۹۰ CE).
۲۳. Majlisi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqi, Bihar al-Anwar (Seas of Lights), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۲nd Edition, ۱۴۰۳ AH (۱۹۸۳ CE).
۲۴. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir Nemooneh (Exemplary Interpretation), Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۰th Edition, ۱۳۷۱ SH (۱۹۹۲ CE).
۲۵. Ma'rifat, Mohammad Hadi, Tafsir va Mofassiran (Interpretation and Interpreters), Qom: Institute for Cultural and Publishing Al-Tamhid, ۱۳۷۹ SH (۲۰۰۰ CE).
۲۶. Moghniyya, Mohammad Jawad, Translation of Tafsir al-Kashaf (The Unveiling Exegesis), Translated by Musa Danesh, Qom: Bustan Ketab, ۱۳۷۸ SH (۱۹۹۹ CE).
۲۷. Motahhari, Murtadha, Collected Works of Martyr Murtadha Motahhari, Tehran: Sadra, ۷th Edition, ۱۳۸۴ SH (۲۰۰۵ CE).
۲۸. Mustrahami, Sayyed Ayyasi, and Javad Goodarzi, "Harkat Khurshid dar Quran wa Pasukh be Shubahat Naw Padid an (The Sun's Movement in the Quran and Responding to Its Emerging Doubts)", Quran and Science Journal, Volume ۱۳, Number ۲۴, September ۲۰۱۹.
۲۹. Qira'ti, Mohsen, Tafsir Nur (Interpretation of Light), Tehran: Cultural Center of Quran Lessons, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۳۰. Qubaisi Amli, Mohammad Hassan, Tafsir al-Bayan al-Safi li Kalam Allah al-Wafi (The Clear Exposition of the Perfect Word of God), Beirut: Maktabat al-Balagh, n.d.
۳۱. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali and Ali Akbar Farahibakhshayesh, "Sazgari Quran wa Ulum Tabi'i az Manzar Mustashriqan (Consistency of the Quran with Natural Sciences from Orientalists' Perspective)", Orientalists' Quranic Studies Quarterly, Year ۹, No. ۱۶, Spring and Summer ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۳۲. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Daramadi bar Tafsir Ilmi Quran Karim (Introduction to the Scientific Interpretation of the Holy Quran), Qom: Uswa, ۱۳۷۵ SH (۱۹۹۶ CE).
۳۳. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Mantiq Tafsir Quran (Logic of Quranic Interpretation) Volume 5 (Quran and Natural and Human Sciences), Qom: Mustafa International Translation and Publishing Center, ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۳۴. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Tafsir Mehr (Mehr's Interpretation), Qom: Research on Tafsir and Quranic Sciences, ۱۳۷۸ SH (۱۹۹۹ CE).
۳۵. Rezaei, Hussein, Mirarab, Farajollah, "Barresi Shubahat Soha dar Mawrid Haft Asman dar Quran Karim (Examining Dr. Saha's Doubts Regarding the Seven Heavens in the Holy Quran)", Quran and Hadith Research Journal, Volume ۱۶, Number ۳ (۴۳), Autumn ۲۰۱۹.
۳۶. Sadler, Thomas, Medical Embryology Langman, Translated by Gholam Reza Hassanzadeh and Colleagues, ۱۳th Edition, Tehran: Ibn Sina, ۱۳۹۴ SH (۲۰۱۵ CE).

۳۷. Shah Abd al-Azimi, Hussein, Tafsir Ithna Ashari (Twelver Interpretation), Tehran: Miqat, ۱۳۶۳ SH (۱۹۸۴ CE).
۳۸. Soha, Nqd Quran (A Critique of the Quran), N.p., n.d, ۱۳۹۳ SH (۲۰۱۴ CE).
۳۹. Mustrahmi, Sayyed Ayyasi, "Qur'an and Astronomy", Quran and Science Journal, Volume ۲, Number ۲, Year ۲, January ۲۰۰۹
۴۰. Suyuti, Abdul Rahman bin Abi Bakr, Al-Durr al-Mansur fi Tafsir al-Mathur (The Scattered Pearl in Interpretation Through Narrations), Qom: Library of Ayatollah Mara'shi Najafi (ra), ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۴ CE).
۴۱. Tabatabai, Mohammad Hussein, Tafsir al-Mizan (The Scale in the Exegesis of Quran), Translated by Mohammad Baqer Musavi, Qom: Society of Teachers of Qom Seminary, Islamic Publications Office, ۵th Edition, ۱۳۷۴ SH (۱۹۹۵ CE).
۴۲. Tusi, Mohammad bin Hassan, Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Clear Exposition in Quranic Interpretation), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
۴۳. Zahedi, Abdul Reza, Ismi-Qiyah-Bashi, Samad, Khoshnit, Gholam Reza, "Investigation of the Network of Meaning of 'Nutfah' in the Holy Quran and Responses to Doubts", Religious Anthropology Journal, Year ۴, Number ۳۹, Spring and Summer ۲۰۱۸.
۴۴. Moadeb, Seyyed Reza, Daneshgar, Majid Reza and Khademi, Hamid Reza, "Compatibility or Incompatibility of the Qur'an and New Science", Quran and Science Journal, Volume ۴, Number ۶, March ۲۰۲۳
۴۵. Zandani, Abdul Majid, Ilm al-Ajinnah in the Light of the Quran and Sunnah, ۱st Edition, Beirut, ۱۴۳۲ AH (۲۰۱۱ CE).